

سید جلال الدین حسینی ملقب به مؤید الاسلام فرزند سید محمد رضا مجتهد کاشانی و خانم سلطان شیخ الاسلام شنبه ۱۳ رجب سال ۱۲۸۰ هجری قمری برابر با ۱۲۴۲ خورشیدی در کاشان - محله کلهر - زاده شد. پس از تحصیلات ابتدایی در این شهر، به همراه برادر بزرگ خود برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و مدت پنج سال در مدرسه‌های حکیم و صدر این شهر تحصیل کرد. سید جلال الدین حسینی سپس به کاشان مراجعت کرد و از آنجا به تهران و خراسان رفت و پس از چندی به عراق رهسپار شد و در سامراء در حوزه درس آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی شرکت کرد و دروس «خارج» را نزد وی گذراند. در سال ۱۳۰۵ هجری قمری با اجازه مرحوم میرزا به بندرعباس رفت و در مدت ۴۵ روز توقف خود در بندرعباس با سید جمال الدین اسدآبادی ملاقات کرد. مرحوم محمد صدر هاشمی درباره این ملاقات نوشته است:

«... پس از ملاقاتی که بین مدیر حبل المتین و مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی در بندرعباس رخ داد [با] سید از راه شیراز و اصفهان [به تهران] آمد. سید جلال الدین پس از مدتی از تهران روانه عمان شد و پس از مدت یکسال و نیم اقامت در آنجا در سال ۱۳۰۸ ق به بمبئی رفت و پس از سیاحت از چند شهر هندوستان در کلکته اقامت گزید. و در آن دیار برای گذران زندگی مشغول تجارت شد. در اثر مکاتباتی که بین او و سید جمال الدین اسدآبادی و ملکم خان ناظم الدوله در جریان بود هر سه به اتفاق به این نتیجه رسیدند که انقلاب فکری در ایران در سایه تولد مطبوعات آزاد فارسی به وقوع می‌پیوندد.



○ مؤید الاسلام کاشانی مدیر حبل المتین

از این رو هر سه نفر تصمیم به انتشار روزنامه گرفتند. سید جمال الدین روزنامه عروة الوثقی را برای پیشرفت مقصود خود منتشر کرد. میرزا ملکم خان ناظم الدوله روزنامه قانون را انتشار داد و در کنار روزنامه‌اش رسالاتی نوشت که سالها در آلمان، قفقاز، هند، ایران چاپ می‌کردند و همچون ورق زر دست بدست می‌دادند. مؤید الاسلام نیز در کلکته رحل اقامت افکند و در محل اقامتش نخست دست به انتشار روزنامه حبل المتین زد و از سال ۱۳۱۱ هجری قمری قریب ۴۰ سال جز چندی که از نشر روزنامه‌اش جلوگیری کردند انتشار یافت. من به این نکته نیز توجه ندارم که سید جلال الدین مؤید الاسلام از چه سیاستی، حمایت می‌کرد و یا از چه کسی حمایت می‌شد. این نکته برای من قابل تأمل است که سید جلال الدین مؤید الاسلام در یک کشور بیگانه که دولت زورمندی نسبت به زبان و فرهنگ مؤید الاسلام دشمنی نشان می‌داد و عملاً رضایت نداشت که زبان و فرهنگ ملت ایران در مقابل زبان و فرهنگ او شاخصیت داشته باشد او با انتشار روزنامه حبل المتین حساسیت خود را نشان داد که تا چه اندازه به زبان و فرهنگ و قومیت خود ارج می‌گذارد آری او نه تنها روزنامه حبل المتین را که ناشر افکار او بود منتشر کرد بلکه در کنار حبل المتین کلکته روزنامه‌ها و مجلات دیگری را منتشر نمود که هر یک در جای خود قابل تأمل و بررسی است. مؤید الاسلام در ده سال پایان عمر به کلی از هر دو چشم محروم شد و عملاً نشر روزنامه برعهده دخترش بود. مؤید باراهنمایی کار فرزندش رازیر نظر داشت و او را راهنمایی می‌کرد مؤید الاسلام در سال ۱۳۰۹ خورشیدی برابر ۱۳۴۹ قمری پس از ۷۰ سال تلاش و زندگی در کلکته هندوستان در

گذشت و جنازه او را به امانت سپردند تا اینکه پس از یکسال بعد از مرگش با اجازه دولت ایران جنازه او را با قطار به زاهدان آوردند و رجال و مردم بسیاری در زاهدان جنازه سید را مشایعت کردند. و جنازه او را از زاهدان به مشهد بردند و محدوده حرم حضرت رضا (ع) در ایوان عباسی در صحن کهنه به خاک سپردند. جا دارد قسمتی از گزارش کوتاهی را که نورالله ایران پرست درباره ورود جنازه مؤیدالاسلام به ایران نوشته است در زیر بیاوریم:

«مرور زمان خیلی چیزها را از یاد انسان می برد. قریب یکسال از فوت مؤیدالاسلام مدیر جریده جبل المتین کلکته گذشته است. صبح یکشنبه ۹ آبان ۱۳۱۰ ایرانیان کلکته با افسردگی تمام به ایستگاه راه آهن می روند به تشییع جسد مرحوم مؤید که به زاهدان حمل می شود. وصیت آن مرحوم بود که جسدش به ایران منتقل شود و این کار مهم آخر به همت خانم فرخ سلطان دختر دوم او و مساعدت دولت انجام گرفت. پس از تحصیل اجازه از اداره صحیه شعبه ۸- آبان جسد [را] از دخمه بیرون آورده در صندوق مخصوص نهاده شد و ساعت هشت صبح حرکت کرد اعضا و داوطلبان انجمن خلافت در کلکته و قریب سیصد نفر شاگردان اسلامیہ، یتیم خانه و آقایان ایرانیان و ایرانی زادگان و عده زیادی از مسلمانان این شهر به فاصله یک فرسنگ تابوت را که با پارچه سیاه و گل پوشیده شده بود تشییع نمودند. ساعت دوازده و نیم جسد به ایستگاه «هویا» رسید و در اطاق مخصوص ماشین قرار گرفت.

عبدالواحد نام داوطلب رسانیدن جسد به زاهدان در آن ترن سوار شد. خانم فرخ سلطان و خواهر کوچکش وداع آخر را با جسد کرده رفتند. مشایعت کنندگان نیز فاتحه خوانده به شهر برگشتند. ترن ساعت دو بعد از ظهر حرکت کرد.

مرحوم مؤید پس از ۴۲ سال دوری به ایران مراجعت نمود. آب و خاک که چهل سالی برآن جانفشانی کرد و وطنی که آن همه برایش خون دل خورده ایران ایران که در آخر عمر خیلی آرزوی زیارت آن را داشت. عجب تأثیرات سحرآمیزی این مملکت در دل فرزندان دور از خود دارد. یاد اظهار اشتیاق مرحوم مؤید در آخر عمر به رفتن به ایران و دیدن اوضاع کنونی، راستی شخص را متأثر می کند عجب بلایی است مرگ دنیا چقدر بی وفاست - مؤید آخر به وطن برگشت و می بیند اوضاع کنونی را.

منظره حمل جسد مرحوم مؤید به ایستگاه در میان پرچمهای سیاه و جمعیت هزار نفری به مرور زمان از خاطر خواهد رفت ولی مقام بلند او در ایران پرستی و دنیای سیاست و روزنامه نویسی برقرار خواهد ماند»

آنچه ملاحظه فرمودید برگرفته کوتاهی است از شرح کامل احوال جلال الدین که سالها است نسبت به تهیه و تدوین آن اقدام به عمل آمده است. امید است پس از اتمام فهرست مقالات

سابقه

مستند علمی

حبل المتین

این کتابت بر کسب زهد و تقوی مؤید است

چهارم - چنانچه
قیمت سایر آثار است
چندستان بر سر آورید
ایران افغانستان می بیند
اروپا چین بیشتر بزرگ
مالک ثنائیه پنج میسری
مالک دینیه دو سانت
یک نوبت در شان چنانچه
ایران یک قرآن

از راه مکرری حبل المتین
گفتار است بر در روش
کرامی سلسله آراء با برید
جمال الین بر تقوی است
روشند با هم در جبهه
مطالعه ششم در علم
سیسی هر روز
در شش ماه

چنانچه در تقاسم از آن بحث است هر وقت از آن کتابت را در علم و تقوی مشاهده می کنید
درین بین علوم صحیح علمی دینی بود و اسلام منفعه بفرمان را کس از او در صورت آسان بر سر می آید

حبل المتین که در دست اقدام است متن کامل شرح احوال مؤید الاسلام را در سر آغاز این فهرست که
موسسه پژوهشها و مطالعات فرهنگی بانی تهیه و تدوین آن گردیده بیاوریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی